

نجوای توسل جویندگان به معبود (۱)* شرح مناجات متوسلان

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

در آموزه‌های دینی سفارش فراوان شده است که در توسل باید از «وسیله» بهره برد و مهم‌ترین وسیله، تقرب به خدای سبحان، اولیای الهی و انبیا هستند که بالاترین آنها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند. مؤمنان خطاکار با توسل به انبیا و اولیای الهی و درخواست شفاعت از ایشان، مورد عفو و گذشت خدای متعال قرار می‌گیرند.

از آنجایی که انسان موجودی به‌تمامه فقر ذاتی است و همه نعمت‌های مادی و معنوی که در اختیار دارد، نعمت‌های خدادادی است، دائماً نیازمند اوست و از این رو، برای رفع مشکلات زندگی خویش، همواره نیازمند توسل به اولیای الهی است. این نوشتار به تفصیل به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: توسل، شفاعت، فقر ذاتی، رحمت الهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله قلمی شده شرحی است بر مناجات متوسلان امام سجاد علیه السلام که توسط علامه مصباح برای طلاب علوم دینی در دفتر مقام معظم رهبری در قم ایراد شده است.

«وسيله» در آموزه‌های دینی

وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿اسراء: ۵۷﴾؛ آنان [(جن و انس و ملائکه)] که مشرکان ایشان را [به خدایی] می‌خوانند، خود به سوی پروردگارشان وسیله‌ای می‌جویند [تا بدانند] که کدامشان [به او] نزدیک‌تر است، و به بخشایش او امید دارند و از عذابش می‌ترسند، زیرا که عذاب پروردگارت درخور بیم و پرهیز است.

اگر ما وسیله را به معنای تمام آنچه موجب تقرب به خداوند می‌شود در نظر بگیریم، همه اعمال خیر که قربة الی الله انجام می‌پذیرند، وسیله و مقدمه تقرب به خداوند به شمار می‌آیند. با این تعریف عام از وسیله و توسل، همه بندگان مؤمن و شایسته خداوند، در طول زندگی خود، کاری جز برای تقرب به خداوند انجام نمی‌دهند و تمام رفتار و کارهای آنها، عبادت و وسایل تقرب به خداوند به شمار می‌آیند. در این صورت، چون اعمال قربی با توفیق الهی انجام می‌پذیرند، خداوند باید ابزارهای بدنی، فکری و عملی و روحی و نفسانی انجام اعمال خیر را در اختیار انسان قرار دهد تا او بتواند وسیله تقرب به خداوند را فراهم آورد. اگر انسان زبان نداشته باشد که با آن ذکر بگوید، یا چشم نداشته باشد که با آن قرآن بخواند و نیز دست و پا نداشته باشد که برای انجام عبادت از آنها استفاده کند، کاری از او ساخته نیست. همچنین اگر ابزارهای علمی و معرفتی در اختیارش نباشد و از راه عقل یا شرع راه صحیح را شناسد، راه به جایی نمی‌برد. اگر دارای اعضا و جوارح سالمی باشد و معرفت و شناخت لازم به عبادت و راه بندگی خدا داشته باشد، اما اراده، همت و آمادگی روحی برای اقدام نداشته باشد،

در ادامه مباحث گذشته و در ارتباط با شرح و بررسی مناجات‌های پانزده گانه امام سجاد علیه السلام، فرصت شرح و بررسی مناجات متوسلین رسید. بسیاری از مفاهیمی که در این مناجات بیان شده، در سایر مناجات‌ها نیز به کار رفته‌اند. مطلب جدیدی که در این مناجات طرح شده، که یادی از آن در سایر مناجات‌ها نشده، مسئله وسیله و توسل است. بر این اساس، لازم است قدری درباره این مطلب توضیح دهیم: در مورد معنای لغوی «وسيله» در لغت آمده است: «الوسيلة وهي ما يتقرب به الى الشيء» (طریحی، ۱۹۸۵م، ج ۵، ص ۴۹۱)؛ «وسيله چیزی است که بدان، انسان به چیزی دست می‌یابد» و نیز آمده است: «الوسيلة ما يتقرب به الى الغير» (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۷۲۴)؛ «وسيله چیزی است که بدان می‌توان به چیز دیگری دست یافت». در ادبیات و عرف ما «وسيله» مرادف با «سبب» است؛ اما در ادبیات عرب یکی از مصادیق آن به شمار می‌آید. در متون دینی و مذهبی «وسيله» چیزی است که انسان با آن به خداوند تقرب پیدا می‌کند. کلمه «وسيله» آن هم با معنای عاملی که موجب تقرب به خداوند می‌شود، دو بار در قرآن به کار رفته است. در یک جا خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و [برای نزدیکی] به او وسیله بجوید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ

داد و مقام شفاعت را به او ارزانی داشت. مقام شفاعت، یکی از ثمرات وجود آن حضرت است و خیل بی شماری از مؤمنان و موحدان از شفاعت ایشان بهره مند می شوند. خداوند درباره مقام شفاعت آن حضرت می فرماید: «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» (ضحی: ۵)؛ و به زودی پروردگارت به تو بخششی خواهد کرد که خشنود شوی.

در برخی روایات تصریح شده که آیه شریفه، ناظر به بخشش مقام شفاعت و بهشت به آن حضرت است. در روایتی محمد بن حنفیه از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَشْفَعُ لِأُمَّتِي حَتَّىٰ يَنَادَىٰ رَبِّي رَضِيْتُ يَا مُحَمَّدُ، فَأَقُولُ: رَبِّ رَضِيْتُ»؛ آن قدر برای امتم شفاعت می کنم، تا خداوند بفرماید: یا محمد، آیا راضی شدی؟ می گویم: خداوندا، راضی شدم.

سپس حضرت علی علیه السلام خطاب به اهل عراق می فرماید: شما مردم عراق می گوید که امیدبخش ترین آیه در قرآن، آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳)؛ بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی کرده اید [(در گناهان از حد گذشته اید و به خود ستم کرده اید)]، از بخشایش خدا نومید مباشید» است، و لکن ما اهل بیت می گوئیم که امیدبخش ترین آیه در قرآن، آیه «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» است که شفاعت بر امت محمد صلی الله علیه و آله در آن قرار داده شده است (حاکم عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۷).

بنگرید که رسول خدا صلی الله علیه و آله چه مقام و منزلتی نزد خداوند دارد و تحصیل رضایت و خشنودی اش برای خداوند چقدر مهم است که او به واسطه آن حضرت، آن قدر از کسانی که استحقاق بخشیده شدن را

درصد انجام اعمال قربی بر نمی آید. پس هیچ کار خیری که وسیله تقرب به خداست، بدون توفیق و لطف او تحقق نمی یابد.

مقام وساطت و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

مهم ترین و ارزشمندترین وسایط و وسایل تقرب به خداوند، انبیا و اولیای خدا هستند و بالاتر از همه، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که تمام انسان ها در هر مرتبه ای به او نیازمندند. البته شناخت و معرفت ما به پایه ای نمی رسد که درک کنیم ما چه نیازی به آن حضرت داریم و ایشان چه نقشی در حیات و سعادت ما دارد؛ چه آنکه معرفت به آن حضرت دارای مراتب گوناگونی است و افراد انگشت شماری چون سلمان و ابوذر از عالی ترین مرتبه معرفت به ایشان بهره مند هستند. گزاره نیست که بگوئیم معرفت ما به مراتب کمال آن حضرت، در حد قطره ای از دریاست.

از جمله برکات و ثمرات وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر امت اسلام این است که اگر کسی با ایمان از دنیا برود و بتواند تا لحظه مرگ، ایمانش را حفظ کند. در صورتی که گناهای از او باقی مانده و بخشیده نشده باشند، در قیامت با شفاعت آن حضرت آمرزیده می شوند. با شفاعت ایشان در روز قیامت، همه مؤمنان وارد بهشت می شوند و اگر کسی اعمالی نداشته باشد که او را مستحق رحمت الهی و بهشت گرداند، به شرط آنکه ایمانش محفوظ باشد، مشمول لطف و عنایت رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود و از جهنم نجات پیدا می کند. خداوند که رحمت بی نهایت است، به رسول خدا صلی الله علیه و آله عالی ترین مقامات را عطا کرد و از جمله او را مظهر تمام و کمال رحمتش قرار

خدایا، مرا به سوی تو وسیله‌ای جز جاذبه‌های مهربانی‌ات نیست و دستاویزی جز عطایای رحمت و شفاعت پیامبر رحمتت که نگه‌دار امت از رنج و گرفتاری دو عالم است، ندارم. پس تو این دورا برای من وسیله‌آمزش و سبب وصول به مقام سعادت و بهشت رضوانت قرار ده.

فقر ذاتی انسان و نیاز همیشگی او به خداوند

ما از خود چیزی نداریم و هرچه داریم از خداست. نعمت‌های مادی، نظیر آنچه در بدن ما قرار داده شده، نعمت تفکر، نعمت‌های معنوی، بخصوص نعمت هدایت را خداوند به تدریج به ما عنایت کرده است. از این رو، ما هرآنچه بدان نیاز داریم، چه نیازهای دنیوی و چه نیازهای اخروی و معنوی را باید از خداوند درخواست کنیم. هیچ‌کس نیست که بتواند از نیازهایش صرف‌نظر کند. اگر انسان نیاز و لذتی را درک کند، خواهان آن است؛ مگر آنکه نتواند لذتی یا نیازی را درک کند که در این صورت انگیزه‌ای برای تأمین آن در وی وجود ندارد. انسان نمی‌تواند از ناراحتی‌ها و عذاب‌ها گریزان نباشد. از این رو، وقتی ناراحتی یا بیماری برایش پیش می‌آید، درصدد رفع آن برمی‌آید.

برخی خیال می‌کنند می‌توانند در برابر هر سختی، گرفتاری و بیماری صبر کنند. یکی از بزرگان و علمای اخلاق که از شاگردان مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی بود و صبح‌های جمعه در مدرسه حجتیه درس اخلاق می‌گفت، فرمود: بر اثر ناراحتی و زخم معده، گاهی شکم درد می‌گیرد. نیمه‌شب شکم درد گرفت و پیش خود گفتم امشب درد شکم را تحمل می‌کنم و خدا اگر صلاح دید، آن درد را

ندارند، می‌بخشد تا ایشان راضی شود. طبیعی است که همه مؤمنان، مورد عنایت آن مظهر رحمت الهی قرار می‌گیرند و خداوند از مجرای شفاعت آن حضرت، بندگان را مشمول لطف و مغفرت خود قرار می‌دهد. خداوند عبادات، خدمت به خلق و جهاد فی سبیل‌الله را وسایل قرب به خویش و بهره‌مندی از ثواب و پاداش الهی قرار داده است. آنگاه اگر کسی در حد کافی از آن وسایل، توشه برنگرفت و مستحق بخشش الهی نبود، خداوند وسیله شفاعت پیامبر را در اختیارش قرار داده تا از آن طریق مشمول بخشش الهی قرار گیرد و وارد بهشت شود. همه این وسایل و راه‌ها برای نجات انسان‌ها و بهره‌مندی آنها از رحمت الهی قرار داده شده‌اند. بر این اساس، چیزی جز رحمت الهی موجب تقرب ما به خدا و نیل به رضوان الهی و بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی نخواهد شد. آن رحمت، گاهی از راه اعمال قربی و عبادی و گاهی از طریق شفاعت رسول خدا و اهل بیت آن حضرت در اختیار ما قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه ما دو راه برای تقرب به خداوند داریم: یکی جلب رحمت الهی از طریق عبادت و بندگی‌اش و دیگری شفاعت رسول خدا ﷺ، به این معنا که ما هرچه داریم از رسول خداست و برنامه‌های عبادی و اعمال قربی نیز به طفیل وجود آن حضرت در اختیار ما قرار گرفته است. امام سجاده علیه السلام، در طبیعه مناجات متوسلین می‌فرماید: «اللّٰهُ لَيْسَ لِي وَسِيْلَةٌ اِلَيْكَ اِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيْعَةٌ اِلَيْكَ اِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْفَذُ الْاُمَّةِ مِنَ الْعُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا اِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيْرِهِمَا لِي وَصْلَةً اِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ»؛

نسیم‌های رحمت آن حضرت قرار دادیم و مشمول لطف و عنایت ایشان قرار گرفتیم، قدر این فرصت طلایی و ارزشمند را بدانیم.

در حدیث قدسی می‌خوانیم که خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: «یا داوُد، فَرِّغْ لِي يَبْتَأْ أَسْكُنَهُ، إِنَّ لِي لَسَلَّةً فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَرَصَّدُوا لَهَا» (مجلسی، بی‌تا، ج، ص ۱۶۸)؛ ای داوود، برای من خانه‌ای خالی کن تا در آن جای گیرم. همانا برای خدا در روزگارتان نسیم‌هایی است، همان در کمین آنها درآید و آنها را به چنگ آوری.

یکی از مواردی که انسان در مسیر رحمت الهی قرار می‌گیرد، آن است که بدون میل و علاقه و تصمیمی و با اصرار رقیقش به مجلس سیدالشهدا علیه السلام وارد می‌شود و تحت تأثیر فضای معنوی آن مجلس قرار می‌گیرد؛ آلودگی و پلشتی‌های دل او زدوده می‌شود و دلش نورانی و آکنده از معنویت می‌گردد. مهم‌تر آنکه کوتاهی‌ها و گناهایی از انسان سرزده که او را مستحق عذاب و کیفر ساخته‌اند و حق بخشش را از او سلب گردانده‌اند، اما وجود ایمان در آن انسان گنهار او را لایق بهره‌مند شدن از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله ساخته است. برای انسان، بسیار ارزشمند و شادی‌بخش است که بتواند تا لحظه مرگ، ایمانش را حفظ کند و تحت تأثیر شبها قرار نگیرد، یا آنکه چندان گناه نکند که قلبش کاملاً سیاه شود و ایمان از دلش خارج گردد و در نتیجه لیاقت برخوردار شدن از شفاعت در قیامت را در خود حفظ کند. بی‌تردید انسان با خطر لغزش و انحراف مواجه است و ممکن است ایمانش را از دست بدهد. از این رو، پیوسته باید خائف و ترسان باشد و از سوی دیگر، امیدوار که نسیم رحمت الهی وزیدن گیرد و او را در معرض

برطرف می‌کند و مرا شفا می‌دهد. مدتی گذشت؛ درد شکمم سخت‌تر و شدیدتر شد و نتوانستم آن را تحمل کنم و گفتم خدایا، مرا از این درد نجات بده. به مرور درد شدیدتر شد و من شروع کردم به التماس کردن و تضرع به درگاه خداوند و از او خواستم که به من رحم کند. همچنان درد شدیدتر می‌شد و من تا توانستم به اولیای خدا و ائمه اطهار علیهم السلام توسل جست؛ دعا خواندم و خدا را قسم دادم که مرا نجات دهد؛ اما دردم شدیدتر شد و طاقتم را از دست دادم و گفتم: آیا کسی نیست که مرا از این درد نجات بدهد؟ با گفتن این جمله، دردم برطرف شد. آن‌گاه فهمیدم که خداوند می‌خواست به من بفهماند که چقدر کم طاقت و کم تحمل هستم.

هرکس از ضعفش آگاه است و به تجربه دریافته است که بر مشکلاتی چون بیماری، گرسنگی، تشنگی و مهم‌تر از همه، داغ عزیزان، نمی‌تواند صبر کند. انسان با لطف و عنایت الهی، برخی از مشکلات را از سر می‌گذراند و بر برخی از مصیبت‌ها و ناراحتی‌ها صبر می‌کند. هرگز آستانه تحمل و صبر ما به مقام صبر و تحمل انبیا و اولیا نمی‌رسد و از درک معرفت متعالی و منزلت آنان در پیشگاه خداوند نیز عاجزیم؛ منزلتی که باعث شد خاک قبر آن بزرگواران پس از هزار و چهارصد سال، بیماری‌های لاعلاج را شفا دهد. یا چنان‌که گفتیم، خداوند منزلتی به رسولش بخشیده و چنان ایشان را مشمول لطف و عنایتش ساخته که آمرزش میلیون‌ها مؤمن و مسلمان در گرو رضایت و خشنودی آن حضرت قرار داده شده است. بایسته است که ما خاضعانه و با ارادت خالصانه در خانه آن حضرت برویم و اگر فرصتی برای توسل به ایشان دست داد و خود را در جهت

هدایت و بهره‌مندی از شفاعت پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام قرار دهد.

چنان‌که گفتیم کسانی که از گناهان کبیره خودداری می‌کنند و بر گناهان صغیره اصرار نمی‌ورزند، مشمول مغفرت قرار می‌گیرند و حتی در عالم برزخ نیز کیفر و عذابی متوجه آنان نمی‌شود. اما کسانی که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند یا بر گناهان صغیره اصرار ورزیده‌اند و از آن گناهان توبه نکرده‌اند، در صورتی که با ایمان از دنیا بروند، در عالم برزخ کیفر و عذاب می‌بینند، اما در عالم قیامت مشمول شفاعت قرار می‌گیرند؛ زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «إِدْخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (همان، ج ۸، ص ۳۰)؛ شفاعتم را برای امت که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند، اندوخته‌ام.

تأمین سعادت انسان در پرتو رأفت و رحمت الهی

در پایان بحث نگاهی دوباره به بخش نخست مناجات متوسلین می‌افکنیم. مفهوم «عواطف» در جمله اول، امیال و جاذبه است. گرچه ما «عاطفه» را که جمع آن «عواطف» است، به معنای حالتی روانی به کار می‌بریم و نگاه روان‌شناختی به آن داریم، اما منظور از آن در سخن امام سجاده علیه‌السلام حالت روان‌شناختی نیست، بلکه میل و جاذبه است و منظور از «عواطف رأفتک» جاذبه‌ها و میل رأفت خدا به سوی بندگان است. اطلاق «عاطفه» بر حالت خاص روانی نیز از آن جهت است که عاطفه انسان نسبت به شخص دیگر، میل انسان در خدمت و توجه به او را برمی‌انگیزاند. منظور از «عوارف» که جمع «عارفه» است، عطایا و آثار رحمت الهی است.

حضرت پس از آنکه می‌فرمایند ما تنها دو وسیله

برای توسل و تقرب به خداوند داریم که عبارت‌اند از: جاذبه‌های مهربانی خدا و شفاعت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از خداوند می‌خواهند که آنها را وسیله آمرزش و سنت دستیابی به سعادت و رضوانش قرار دهد. شاید در بیان آن دو وسیله و بیان اینکه ما بجز آن دو، وسیله‌ای برای تقرب به خدا نداریم و درخواست اینکه خداوند آن دو را سبب نیل به آمرزش و رضوانش قرار دهد، عنایتی وجود دارد و آن اینکه حتماً با تحقق آن دو وسیله، سعادت انسان تضمین می‌شود. باید مهر و رحمت الهی متوجه انسان شود، تا انسان مشمول شفاعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گردد. در صورتی انسان از شفاعت برخوردار می‌شود که استعداد و ظرفیت برخوردار از آن را در خود فراهم آورد و در حفظش نیز بکوشد و این ظرفیت و استعداد بدون عواطف رأفت و رحمت الهی حاصل نمی‌شود. پس اول باید چتر رحمت الهی بر سر انسان سایه افکند، تا لیاقت بهره‌مندی از شفاعت در انسان پدید آید، آن‌گاه انسان با شفاعت به ساحل نجات و سعادت دست می‌یابد؛ البته شفاعت، پرتوی از رحمت الهی است و به آن بازگشت دارد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ق)، *لسان‌العرب*، بیروت، دارالفکر.
- حاکم عسقلانی، عبدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل*، تهران، مؤسسه جامع و نشر.
- طریحی، فخرالدین (۱۹۸۵م)، *مجمع‌البحرین*، بیروت، دارومکتبه الهلال.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، *بحارالانوار*، تهران، المکتبه الاسلامیه.